

گونه‌شناسی ازدواج سیاسی

در خاندان حاکمه قاجار از تأسیس تا انقلاب مشروطه

علی سام*

چکیده

ماهیت قدرت در حکومت قاجاریه همچون دیگر حکومت‌های سنتی حاکم بر ایران، بر پایه حمایت قوای نظامی ایل و طوایف استوار بوده است. نیروهایی که همگرایی با آنها از طریق پیوندهای خویشاوندی از طریق ازدواج مستحکم می‌گردید. در این پژوهش مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که چگونه می‌توان نقش سیاسی ازدواج‌های خاندان حاکمه قاجار را در زمینه قدرت آنها مورد بررسی قرار داد. برای بررسی این امر به مطالعه موردی نمونه‌های ازدواج‌های خاندان حاکمه قاجار با بزرگان خاندانهای محلی و کارگزاران دیوانی و درباری به روشی توصیفی - تحلیلی پرداخته شده است. از نظر دستاوردهای پژوهشی می‌توان این نکته را یادآور شد که ازدواج سیاسی از جمله اهرم‌های مورد استفاده خاندان حاکمه قاجار جهت کنترل قدرت‌های محلی و کارگزاران سیاسی بوده است. حکومت قاجاریه فاقد مقبولیت و زیرساخت‌های اساسی جهت حکمرانی بر قلمرو تحت نفوذشان بوده است. جهت به‌دست آوردن این دو ملاک، به برقراری پیوندهای خویشاوندی پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی

قاجار، خویشاوندی، ازدواج سیاسی، خاندان حکمران محلی، فرزند.

ketabat86@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۹

*. دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی و مدرس دروس معارف اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۳۰

طرح مسئله

بررسی ازدواج در خاندان حاکمه قاجار و تأثیرات محیطی آن، پایه اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد. به این شکل که خاندان حاکمه قاجار - که آخرین نمونه حکمرانان سنتی ایران می‌باشند - با اتکا بر ازدواج‌های مصلحتی یا سیاسی، اقدام به هم‌گرایی با قدرت‌های محلی نموده و از این طریق توانسته‌اند قدرت حاکمیت خود را حفظ نمایند. این پژوهش در صدد است با استفاده از شاخصه‌های نظری علم تاریخ به این سوال پاسخ دهد که: قدرت خاندان حاکمه قاجار چگونه از طریق ازدواج‌های سیاسی - با خاندان‌های قدرتمند محلی و کارگزاران دیوانی و درباری - سبب نفوذ و قدرت خود در سطح قلمرو حکومتش شده است؟

قاجار به دنبال تقویت پایه‌های نفوذ خود و هم‌گرایی با کانون‌های قدرت بوده است. ازدواج به عنوان یک پدیده اجتماعی، سبب هم‌گرایی فرهنگ‌های متعدد یک اجتماع و ایجاد نهاد خانواده به عنوان اساس شکل‌گیری سایر گروه‌های اجتماعی می‌باشد. آنچه مسئله ازدواج در خاندان حاکمه قاجار را با اهمیت می‌کند، اطلاع آنها از نقش اساسی نهاد ازدواج و بهره‌برداری سیاسی از آن می‌باشد. در این پژوهش سعی شده ضمن پاسخ به سؤال مذکور، بیان شود که ازدواج در خاندان حاکمه قاجار یک نوع ازدواج با اهداف سیاسی جهت گسترش نفوذ خاندان حاکمه قاجار و همچنین هم‌گرایی با کارگزاران دیوانی و درباری در قلمرو وسیع تحت امرشان بوده است. سابقه پژوهش‌های جدید در زمینه ازدواج در دوره زمانی عهد قاجاریه و به‌ویژه خاندان حاکمه قاجار بسیار اندک می‌باشد و چند موردی که نگاشته شده، به امر ازدواج در عهد قاجار به شکل حواشی زندگی اجتماعی مردم اشاره دارند. از جمله دو کتاب با عناوین *زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی* نوشته دکتر میترا مهرآبادی و همچنین کتاب *زن در دوره قاجار* نوشته دکتر بشری دلریش، هر کدام از این آثار به بررسی نقش و جایگاه زن در عهد قاجار پرداخته‌اند که فصلی را نیز به موضوع ازدواج زنان قاجاری پرداخته‌اند. همچنین کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* نوشته راوندی و آثار دیگری که جنبه‌های اجتماعی جامعه قاجاری را بیان نموده‌اند از جمله آثار ویلم فلور و آقای حسن آزاد تنها به ذکر نمونه‌های ازدواج‌ها در عهد قاجار - که از منابع دست اول تهیه شده‌اند - اکتفا نموده‌اند. هیچ کدام از این تحقیقات جدید به بررسی ازدواج با تکیه بر نقش ازدواج‌های سیاسی خاندان حاکمه قاجاری نپرداخته‌اند و نقطه قوت این پژوهش، توجه اختصاصی به نقش ازدواج‌های خاندان حاکمه قاجار در قدرت‌گیری و تسلط این خاندان حاکمه می‌باشد. در عهد قاجاریه نیز می‌توان از لابه‌لای اوراق کتب تاریخی - از جمله *رستم‌التواریخ، تاریخ محمدی، شرح زندگانی من* نوشته

عبدالله مستوفی و همچنین سفرنامه‌ها از جمله سفرنامه پولاک، و کتب خاطرات بزرگان سیاسی از جمله تاج السلطنه، معیرالممالک و ... - و با بررسی تمامی مطالبی که در باب ازدواج در خاندان حاکمه قاجار در آنها ذکر شده است، متوجه شد که تنها ماهیت واقعه - یعنی ازدواج و چگونگی برگزاری آن به شکل توصیفی - بیان شده است و هیچکدام، تحلیلی از ماهیت قدرت نهفته در این ازدواج‌ها را ذکر نکرده‌اند و تأکید نموده‌اند که چرا ازدواج در خاندان حاکمه قاجار اکثراً با خانواده‌ها و خاندان‌های بانفوذ جامعه صورت می‌گیرد. اما در تحقیق پیش‌رو تمامی زوایای پنهان این ازدواج‌ها یک‌به‌یک و با ذکر منابع، توضیح و تحلیل شده است. پژوهش پیش‌رو از سه بخش اصلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: ۱. بررسی علت تعدد زوجات شاهان قاجار و خانواده آنها ۲. ازدواج خاندان حاکمه قاجار با رئسای خاندان‌های محلی ۳. ازدواج با نخبگان سیاسی و عامه مردم. که در این سه بخش در پی بیان این هدف و دستاورد می‌باشیم که حاکمیت، فاقد زیرساخت‌های مورد نیاز از جمله قوای نظامی دائمی و دیوان‌سالاری منسجم جهت تسلط بر قلمرو خود بوده است. جهت رفع این نواقص به سیاست هم‌گرایی با قدرت‌های بانفوذ در سطح قلمرو خود - از طریق برقراری ازدواج‌های سیاسی - نموده است. به این شکل که با این نوع ازدواج‌ها انسجام درونی در ایل قاجار که پایه اصلی قدرت حاکمیت را بر عهده داشت حفظ می‌شد و همچنین در سطح قلمرو حاکمیت قاجار ازدواج‌های سیاسی با خاندان بانفوذ محلی و تأکید بر امر فرزندآوری، مقبولیت را برای آنها به همراه داشت. به ویژه این که با برگزیدن این فرزندان بر حکومت ولایات، گسترش قدرت حکومت قاجار بر ولایات عملی می‌شد.

برای سکونت همسران پادشاهان نیز مکانی به حرمسرا انتخاب می‌شد. حرمسرا ساختمانی بزرگ و مستطیلی شکل با اتاق‌هایی حجره مانند داشت که زنان شاه یک‌به‌یک در هر کدام از این حجره‌ها اسکان داده می‌شدند.^۱ نگهداری از همسران پادشاهان قاجار از اقسا نقاط قلمرو حاکمیت، نقش واسطه صلح و دوستی را برای خاندان حاکمه قاجار ایفا می‌کرد. در کنار ازدواج با خاندان‌های بانفوذ محلی، پیوندهای خویشاوندی با عمال و کارگزاران سیاسی دربار و دیوان‌سالاری نیز انجام می‌شد که علت این نوع ازدواج‌های سیاسی، عنصر وفاداری به پادشاهان قاجار، لیاقت کارگرانی همچون میرزا تقی خان امیرکبیر - که فاقد پشتوانه‌های ایلی بوده‌اند - جهت ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز حاکمیت از جمله ارتش دائمی و متحد دیوان‌سالاری فراگیر و منسجم بوده است. به نحوی که تاج‌السلطنه در کتاب خاطرات خود به وضوح به این نوع ازدواج

۱. معیرالممالک، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، ص ۱۵.

خاندان حاکمه قاجار با کارگزاران سیاسی اشاره می‌کند - اتابک معزول و امین‌الدوله صدراالاعظم شد. بعد از چند ماه، یکی از دخترهای برادرم را هم برای یگانه پسرش عروس کردند^۱ - اما این سیاست در تعارض با نفوذ خاندانهای محلی بوده، نوعی تضاد منافع و درگیری بر سر قدرت را به همراه داشت. اهمیت موضوع پژوهش به دلیل خلأ تحقیقات موجود در این حوزه می‌باشد که سعی شده با بهره‌گیری درست از همه منابع موجود و قابل دسترس، علت ازدواج در خاندان حاکمه قاجار و تأثیر آن بر عوامل محیطی این دوره زمانی، از جمله شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. در متن پژوهش سعی شده است سؤالاتی اساسی که به روند ازدواج در خاندان حاکمه قاجار دلالت دارد، پاسخ داده شود.

تعدد زوجات شاهان و خاندان حاکمه قاجاریه

در ایام آغازین به قدرت رسیدن قاجاریه، نیروهای وفاداری که از طرف حکومت مرکزی به این پهنه وسیع حکومت نمایند و مدیریت مناصب مهم دیوانی را برعهده بگیرند، بسیار کم بود و یا اگر بود قابل اعتماد نبود. لذا جهت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز، طرح ازدواج‌های متعدد شاه قاجار و نسل‌آوری، مطرح می‌شود. همچنان که از مفهوم ازدواج مطرح می‌شود، ازدواج قراردادی اجتماعی است مبتنی بر توافق و سازش بین زن و مرد و به تبع آن دو گروه اجتماعی با ارزش‌ها و هنجارهای مشترک یا متفاوت، که برای دوام جامعه از طریق نسل‌آوری و زایش مؤثر می‌باشد.^۲ در عهد فتحعلی‌شاه به هزاران مورد ازدواج، طی مراسم جشنی باشکوه برمی‌خوریم.^۳ فرزندان شاهان قاجار در سنین طفولیت بر حکومت ولایات گماشته می‌شدند و با این اقدام آجل در عرض چند سال، حکمرانانی قابل اعتماد برای ولایات متعدد ایران انتخاب می‌شد. به نحوی که با تعیین عباس میرزا فرزند فتحعلی‌شاه قاجار به ولیعهدی و انتصاب وی به حکومت آذربایجان، این شاهزاده قاجار نیز چهار تن از فرزندان خود را نیز به حکومت ولایات کرمانشاه، فارس، خراسان و مازندران گماشت.^۴ از ازدواج شاهزادگان قاجار در سنین طفولیت به ازدواج‌های ولایتی نام برده شده است.^۵ این نوع ازدواج که در سنین کودکی برای شاهزادگان و شاهان قاجار

۱. تاج‌السلطنه، خاطرات تاج‌السلطنه، ص ۸۸

۲. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، ص ۲۸.

۳. شاردن، سیاحت‌نامه شاردن، ص ۵۵۴.

۴. لمبتون، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۱۸۱.

۵. شهید ثانی، ترجمه و تبیین شرح لمعه، ص ۴۵.

رخ می‌داد، به تشکیل نهاد خانواده، رشد جمعیت و به تبع آن باروری در خاندان حاکمه قاجار کمک می‌کرده است.^۱ علاوه بر ازدواج دائم، از ازدواج موقت نیز جهت فرزندآوری در خاندان حاکمه قاجار استفاده می‌شده است.

کشور خانم، شوهرش مدت‌ها نوکر حضرت والا بود. خیلی مفلوک و بد بود. داخل تلگراف‌خانه شد، پس از چندی تحویلدار تلگراف‌خانه تبریز شده رفت. دختری از عیال سابقش داشت. برای اعتضادالسلطنه - محمدعلی شاه قاجار - ولیعهد حالیه منقطع خواستند بگیرند، این دختر را پسند کردند. به اسم کشور خانم که آزادست و نوه حاجی عباسقلی میرزا ابن‌خاقان است، قلم داده صیغه کردند. فرزندی از ولیعهد بهم رسانید. الان اعتضادالسلطنه لقب دارد و شش ساله می‌باشد. کارشان خوب شد. پس از گرفتن دختر آقای نایب‌السلطنه این را طلاق دادند، با پسرش در اندرون خود شاه بود. شاه خیلی به این پسر میل دارد و محبوب القلوب است. الان هم طهران آورده‌اند. دور نیست پادشاه آتیه ما باشد.^۲

مثال فوق به وضوح شکل ازدواج موقت، جهت فرزندان ذکور خانواده شاهی قاجار را نشان می‌دهد. ازدواج اولاد ذکور پادشاه در سنین کودکی، هم‌چنان که از مثال فوق به روشنی بیان شده است، این سؤال را مطرح می‌نماید که این اولاد کم سن‌وسال چگونه می‌توانستند بر ولایتی وسیع هم‌چون تهران، اصفهان یا تبریز حکومت نمایند. باید گفت که انتخاب فرزندان بر حکومت ولایات، تنها عملی سیاسی و روانی جهت به نمایش درآوردن تسلط خانواده حاکم قجری بر ولایات را به شکلی نمادین بیان داشته است. در معیت این کودکان کم سن‌وسال کارگزارانی به مدیریت امور می‌پرداختند. به نحوی که در سال ۱۲۷۷ قمری کامران میرزا فرزند ناصرالدین‌شاه به حکومت تهران در سن یازده سالگی منصوب شد. پاشاخان امین‌الملک - رئیس دارالشورای دولتی - معاونت وی و اداره امور را در دست داشت. در واقع، نایب شاهزاده و عمال دیگر حکومت مرکزی، امور ولایات را در دست داشتند.^۳ موارد بسیاری ملاحظه شده که مادران شاهزاده‌ها پس از مرگ پادشاه و یا طلاق گرفتن از وی، به ولایات تحت حاکمیت اولادشان می‌رفتند و به علت سن کم فرزندشان نقش مباشر و یاری‌رسان فرزندشان در اداره حکومت تحت امر را داشتند.^۴ به نحوی که مادران

۱. دلریش، زن در دوره قاجار، ص ۲۶ - ۲۵.

۲. عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۱۰۵۲.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. شاردن، سیاحتنامه شاردن، ص ۵۵۴.

فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه در به قدرت رسیدن آنها نقش اساسی داشته‌اند.^۱ حکومت قاجار، تأمین نیروهای نخبه و مدیر، جهت حکومت ولایات کلیدی و مهم و مدیریت مناصب مهم دیوانی و لشکری خود را به اولاد ذکور شاه می‌سپرد که با طرح تعدد زوجات و نگهداری جمعیت زیادی از آنها در مکانی به نام حرمسرا و به همراه آن ایفای نقش زاد و ولد اولاد، این مهم تحقق می‌یافت.^۲ اگرچه امر فرزندآوری و لزوم گماشتن آنها بر مدیریت مناصب مهم کشوری، دلیلی مهم بر روی آوردن به تعدد زوجات می‌باشد، لیکن امر شیوع بیماری نیز ترویج و گسترش ازدواج‌های متعدد و فرزندآوری را توجیه نموده است.^۳ زیرا اولاد به علت بیماری در دوران طفولیت، جان خود را از دست می‌دادند. اما ازدواج‌های متعدد این امکان را می‌داد که با انتقال نسل و باروری به حیات خود ادامه دهد.^۴ در باب علت تعدد زوجات پادشاهان قاجار، علاوه بر دو عامل: فرزندآوری و انتصاب آنها بر مناصب مهم کشوری و حفظ اولاد از بیماری، عامل سومی نیز مطرح می‌شود و آن عبارت است از جلب حمایت نخبگان اقوام و قبیله‌های متعدد در قلمرو گسترده خود که موجب جلوگیری از شورش و طغیان آنها به این نحو - با برقراری ازدواج و پیوند خویشاوندی و خونی با این نخبگان و همچنین گردآوری حرمسرای از زوجین پادشاه قاجار که به این ولایات و قبایل وابستگی داشته‌اند - خواهد شد و در مواقعی که این قبایل سر به شورش و نافرمانی بر می‌دارند، از طریق وساطت و پادرمیانی زنان حرمسرا - بسته به اینکه از کدام قبیله و نقطه ایران می‌باشند - به حل این موضوع می‌پرداختند. زنان حرمسرا در انجام نیات پادشاه در جهت تحکیم پایگاه اجتماعی حکومت قاجار و همچنین موقعیت سیاسی آن در جامعه قاجاری نقش مهمی را ایفا می‌کردند، به این شکل که در درگیری‌های حکومت مرکزی با حکام ولایات و یا قبایل قاجار با یکدیگر، هر کدام از زنان پادشاه بر اساس خویشی و پیوند طایفه‌ای که داشت، به عنوان نماینده حکومت جهت رفع اختلاف انتخاب و به نزد مدعیان مخالف گسیل می‌شدند. به نحوی که در آغاز حکومت قاجاریه آغا محمد خان قاجار همسر خود - آسیه خانم - را که بیوه حسینقلی خان جهان سوز - برادر متوفیش - بود را با هدایا و تحف بسیار به استرآباد - مرکز اصلی ایل قاجار - فرستاد تا با اعطای هدایا و وعده‌های بسیار، ایل چند شاخه قاجار را با هم متحد سازد.^۵ همچنین با تشکیل حرمسراها به همراه نگهداری همسرانی

۱. معزی، «مهد علیاهای دوره قاجاریه»، مندرج در: تاریخ معاصر ایران، ص ۱۷۵.

۲. پولاک، سفرنامه پولاک، ص ۱۶۳.

۳. فلور، تاریخ اجتماعی روابط سکسی در ایران، ص ۱۲۹.

۴. عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۱۰۴۲.

۵. ساروی، تاریخ محمدی «احسن التواریخ»، ص ۱۶۶.

از خاندان‌های بانفوذ محلی در آن، افراد بسیاری نیز در مناصب مهم حکومتی گماشته می‌شوند که اهرمی در دست حاکمیت قاجار در فشار به بزرگان محلی در مواقع نافرمانی بودند.

الگوی ازدواج در خاندان سلطنتی قاجار

الف: ازدواج درون‌قبیله‌ای

حاکمان قاجار با قدرت‌گیری و حکومت بر قلمرو وسیعشان، همچنان بسیاری از عادات ایلی خود را حفظ نموده‌اند. این آداب و سنن ایلی به عنوان قوانین بر حکومت آنها حکمفرما شد. از جمله این آداب و سنن ایلی، ازدواج‌های درون‌ایلی و برتر دانستن هم‌ایلی‌های خود بر دیگر قبایل و اقوام جامعه ایرانی بود. به نحوی که ازدواج خارج ایل قاجار را دون شأن و مایه حقارت خاندان قجر می‌دانستند.^۱ نوع ازدواج پادشاهان حکومت قجر در آغاز، به قدرت رسیدن بر اساس وصلت درون‌قبیله‌ای بوده است - آقامحمدخان به عنوان اولین شاه این سلسله، با بیوه‌های برادر خود به نام جهان‌سوز، که گل‌بخت خانم و مریم خانم نام داشتند، ازدواج کرد -.^۲ این نوع ازدواج‌های درون‌قبیله‌ای، به کرات در خاندان پادشاهی قاجار رخ داده است که نمونه بارزی برای ایجاد وحدت در طوایف متعدد ایل قاجار، جهت حفظ قدرت خود بر قلمروی تحت فرمانشان بوده است. این نوع ازدواج در یک‌دست نمودن قبیله و طوایف متعدد قجر بسیار مهم بوده است. به‌ویژه آنها در آغاز که حرفه قبایل، عشایری و دامپروری بوده است به جهت اداره این امور و همچنین نبرد با قبایل دیگر جهت به دست آوردن چراگاه و غارت‌گری، نیاز به اتحاد قبیله‌ای داشته‌اند. این ازدواج‌های درون‌قبیله‌ای، عامل اصلی ایجاد و حفظ اتحاد ایل بود.^۳ این تفکر در هنگامی که ایل قاجار و تیره قوانلو در آغاز به قدرت رسیدن بر ایران به رهبری آغا محمد خان قاجار بود، بسیار مطرح گردید.^۴ با بررسی و تحلیل این مطلب می‌توان گفت پادشاهان قاجار که از طایفه قوانلو قاجار بوده‌اند، در پی برقراری ازدواج با طایفه نیرومند دیگر ایل قاجار یعنی دولو بوده‌اند. زیرا با تحکیم ارتباطات خویشاوندی درون ایل، کسب حمایت نیروی نظامی طایفه قوی دولو - که احتمال شورش آن می‌رفت - را فراهم می‌نمودند و علاوه بر آنکه از شورش آن جلوگیری می‌کردند، به وسیله این

۱. عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۱۰۲۲.

۲. عضدالدوله، تاریخ عضدی، ص ۷۸.

۳. شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۲۱.

۴. سپهر، مرآة الوقایع مظفری، ص ۱۸۵.

وصلت خویشاوندی، سبب بهره‌مندی از نیروی نظامی افراد آن طایفه قاجاری می‌شدند. اگر چه زنان شاهان قاجار، متعدد و از بستگان رئسای قبایل و طوایف مختلف ایران بودند، اما زنانی که از خاندان قاجار بودند، جایگاه رفیع و بالایی داشته و به عبارتی مهدعلیا و ملکه از آنها انتخاب می‌شد.^۱ در آغاز قدرت‌گیری حکومت قاجاریه در زمان آقامحمد خان قاجار تا فتحعلی‌شاه قاجار - که دوران شکل‌گیری حکومت قاجار در قلمروشان و دوران لشکرکشی‌ها برای شکست اقوام مناطق ایران - ازدواج خاندان پادشاهی بیشتر درون‌قبیله‌ای و به‌ویژه ازدواج بین دو تیره قوانلو و دولو بوده است و حتی در زمان فتحعلی‌شاه که قصد ازدواج دخترش با یک کارگزار حکومتی غیرقاجاری را داشت، تمام رئسای طوایف قجر به اعتراض پرداختند.^۲ قاجاریه ازدواج خارج ایل را مایه ننگ و شرمساری ایل قجر می‌دانستند. در بررسی ازدواج‌های درون‌قبیله‌ای قاجاریه، مشخص می‌شود که ازدواج‌ها بیشتر به شکل ازدواج دائم می‌باشد. زنان عقدی پادشاه قاجاری اگر چه طبق فقه شیعی چهار زوجه بوده‌اند اما امکان داشته است با مرگ هر کدام از زنان عقدی، زوجه دیگری جای آن همسر متوفی پادشاه قاجار قرار گرفته و به عقد دائم پادشاه درآید. رقابت بین طوایف ایل قاجار در زمینه انتخاب دختری از آنها به عنوان مهدعلیا به این علت بسیار شدید بوده است^۳ که از بین این زنان - باعقد دائم - مهدعلیا یا ملکه قاجاری مشخص می‌شده است که مادر ولیعهد و پادشاه بعدی حکومت قجری می‌باشد. مادر ولیعهد نقش مؤثری در حمایت از فرزند خود در به قدرت رسیدن وی و همچنین عقب‌راندن رقبای فرزند خود داشت.^۴ مهدعلیا، در رفع درگیری‌های درون خانوادگی پادشاهان قاجار نقش مؤثر داشته‌اند. به نحوی که آقامحمدخان قاجار در سال ۱۲۰۵ ق ملکه دربارش - آسیه خانم - را مأمور نمود که به مازندران برود و برادر شوهر خود - جعفرقلی‌خان - را که از برادر تاجدار خود به علت ندادن حکومت اصفهان رنجیده بود، به تهران دعوت کند. آقامحمدخان توسط آسیه خانم از برادر خود دلجویی کرد و او را به حکومت اصفهان دعوت کرد.^۵

ب) ازدواج‌های بیرون‌قبیله‌ای

پس از شکل‌گیری حکومت قاجار و همزمان با تثبیت ساختار قدرت این سلسله پادشاهی بر پهنه

۱. کاساکوفسکی، خاطرات کلنن کاساکوفسکی، ص ۱۶۱.

۲. عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۱۰۲۲.

۳. همان، ص ۱۰۲۲.

۴. آزاد، پشت پرده‌های حرم‌سرا، ص ۵۷.

۵. عضالدوله، تاریخ عضدی، ص ۱۴۸.

جغرافیایی ایران، شاهد گسترش نوعی ازدواج در خاندان حاکمه قاجار هستیم که تا قبل از این کمتر در بین آنها رخ داده است و آن ازدواج خارج از قبیله قجر بوده است. خاندان حاکمه قاجار با اطلاع از تأثیرات اجتماعی ازدواج، به عنوان یک سنت دیرین اجتماعی - که سبب تشکیل اولین و کوچکترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده شده و سبب ارتباط خونی و خویشاوندی بین گروه‌های مختلف اجتماع، با اهدافی شامل برآورده کردن مفاهیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در یک جامعه می‌شود^۱ - اقدام به برقراری پیوند خویشاوندی با سایر بزرگان و رؤسای ملوک‌الطوایف ایران با فرهنگ‌های متفاوت نمودند، به امید اینکه بتوانند از طریق سرمایه اجتماعی ازدواج و بر اساس ارزش‌ها و باورهای خود به طور مشترک، نسل آینده را بر اساس باورهای غالب یک جامعه شکل دهند.^۲ به نحوی که اولین مورد این ازدواج در زمان فتحعلی‌شاه، در ازدواج فرزند حاج محمد حسین خان صدر اصفهانی - سومین صدراعظم فتحعلی‌شاه - با سلطان خانم فرزند فتحعلی‌شاه قاجار آغاز گردید.^۳ در این مورد ازدواج و ازدواج‌های دیگر شاهان قاجاری و اولاد آنها با نخبگانی از غیر ایل قاجار، شاهد اعتراض رؤسای ایل قجر می‌باشیم و رؤسای قبایل قاجار این‌چنین بیان داشته‌اند که این نوع ازدواج با غیر افرادی از ایل قاجار سبب «تخفیف شئونات سلطنت است».^۴ حال در تفسیر این عبارت می‌توان شئونات سلطنت را همان آداب ایلی قجر در ازدواج درون‌قبیله‌ای دانست که رؤسای ایل قجر خواستار سهم برتر در این قلمرو حکومتی برای خود بوده‌اند که این نوع ازدواج‌ها جایگاه مهم طوایف ذی‌نفع ایل قاجار را با خطر مواجه می‌نمود. پس از رواج ازدواج‌های برون‌قبیله‌ای قاجار، نوعی تلاش در کمرنگ نمودن قدرت طوایف قجری و جلب حمایت سایر اقوام بومی ایران و به تبع آنها مردم و رعیت آنها شکل گرفت. در ازدواج پادشاهان قاجاری با نخبگانی غیر از ایل قاجار عنوانی که بیش از همه مطرح می‌شود، عقد نکاح منقطع می‌باشد که به مرور در خاندان حاکم قاجار و همچنین به تبع آن در دربار والیان قاجار در سرتاسر ایران رواج پیدا کرد: «آقامحمدخان ... در کنار زنان عقدی خود، زنان متعدد در دربار گردآورد».^۵ ازدواج موقت همچون ازدواج دائم در خاندان حاکمه قاجار با رعایت تمام آیین و سنن،

۱. کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ص ۱۲۷.

۲. گود، خانواده و جامعه، ص ۲۱.

۳. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ص ۱۴۸۰.

۴. عضدالدوله، تاریخ عضدی، ص ۶۵.

۵. همان، ص ۷۸.

صورت عمل به خود می‌گرفت.^۱ در ازدواج‌های منقطع در خاندان پادشاهی قاجار، مدت اعتبار عقد نکاح منقطع ۹۰ ساله و حتی ۹۹ ساله مطرح شده است، در حالی که ازدواج منقطع می‌تواند از چند ماه تا یک سال نیز مدت آن تقلیل پیدا نماید. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا اگر ازدواج منقطع می‌باشد؟^۲ مدت اعتبار این نوع عقد نکاح طولانی می‌باشد و به عبارتی حتی تا پایان عمر زوجین ادامه دارد، می‌توان گفت ازدواج منقطع با مدت اعتبار طولانی وسیله‌ای برای اختیار نمودن بیش از چهار زن عقدی در فقه شیعه بوده است، تا زمینه جهت اجرایی شدن تعدد زوجات جهت فرزندآوری شاهان قاجار و امر تولید نسل در خانواده شاهی قاجار با مشکلی مواجه نشود. در این نوع ازدواج منقطع، زوجه صداق خود را در ازای این مدت زمان دریافت می‌کند و بعد از انقضای این مدت، دیگر هیچ‌گونه حقی بر زوج ندارد. در ازدواج موقت، زوجه بعد از اتمام مدت نکاح می‌توانست با دریافت مبلغ مشخص شده صداق، از حباله نکاح شاه خارج شده و به عقد نکاح دیگری درآورده شود. «ستاره خانم پس از منقطع شدن، از اندرون بیرون رفت و زن شیخ محمد پسر شیخ فارس خان شد و از او هم طلاق گرفت و زن مهدی موش شد و در ۱۳۰۴ با شوهرش به عتبات رفت.»^۳ پس زنانی که غیرقجری بودند و از طوایف و قبایل مختلف سرزمین ایران به عقد نکاح پادشاه درمی‌آمدند، در خیل زنان موقت یا منقطع شاه در می‌آمدند. بسیار دیده شده است که شاه این زنان متعدد حرم را طلاق داده و یا با اتمام زمان اعتبار عقد نکاح منقطعشان، به عقد نکاح بزرگان مملکتی با دریافت پیشکش‌های فراوان درمی‌آورد. به نحوی که حاکم ولایات همچون کردستان و اصفهان از پادشاه طلب این چنین ازدواج‌ها و زوجینی را نموده‌اند که با موافقت شاه همراه بود.

خادمان حرم سلطنت را خاقان مرحوم طلاق داده با جواهر و اثاث تجمل و غیره به امان الله خان والی التفات فرمودند. از حرمخانه به اشخاص محترم این قسم التفات می‌شده است. محمدصادق خان گروسی هم استدعای این التفات را کرد که از خادمان حرم عالی به او التفات شود. یکی از زوجات را با جواهرآلات و تجملات ممتاز به او التفات فرمود، که والده جناب حسین علی خان امیر نظام است. آقا علی اکبر که بعد از آقا سید اسماعیل سمت پیش خدمت باشی‌گری

۱. مستوفی، شرح زندگانی من، ص ۳۷۸.

۲. ویلسن، سفرنامه ویلسن، ص ۲۳۱.

۳. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ص ۴۵۱.

داشت، شیرین شاه که خیلی خوش‌سیما بود، با اثاث و آلات جواهر به او التفات شد که جده مادری معیر الممالک حالیه دوست محمدخان است.^۱

این نوع طلاق زنان که در حباله نکاح منقطع پادشاه قاجار بوده‌اند را می‌توان این چنین تفسیر نمود که عاملی در جهت نفوذ اطلاعاتی پادشاه در مناطق تحت نفوذ ملوک‌الطوایف بوده است. به این شکل که زنان مطلقه پادشاه که به عقد نکاح بزرگان مملکتی، رئسای قبایل و والیان درمی‌آمدند، به همراه آنها خدمه و ندیمه‌های بسیاری، جهت خدمت به حرمسرا گسیل می‌شدند. این خدمه وابستگی و ارتباط خود را با حکومت مرکزی همچنان حفظ می‌کردند و نقش چشم و گوش پادشاه را در قلمرو نفوذ عمال دیوانی و درباری و حکام ولایات ایفا می‌کردند. در باب جایگاه اولادی که حاصل ازدواج منقطع پادشاهان قاجار بود، اگر چه به مناصب مهم از جمله حکومت ولایات گماشته می‌شدند، اما با وجود لیاقت به ولیعهدی و پادشاهی نمی‌رسیدند. این امر حتی مورد اعتراض برخی شاهزادگان قدرتمند قجری قرار گرفته بود. به نحوی که کامران میرزا و مسعود میرزا ظل‌السلطنه فرزندان ناصرالدین‌شاه به علت اینکه حاصل این نوع ازدواج‌ها بوده‌اند، هرگز به مقام ولیعهدی نرسیدند. این امر در حالی می‌باشد که این اولاد مورد علاقه پادشاه بوده و دارای لیاقتی بیشتر از مظفرالدین میرزا - شاه بعدی قاجاریه - بود. ظل‌السلطان، طی نامه‌ای خطاب به مادرش ناسزها و اتهامات زیادی به وی منتسب کرده و اظهار داشته که اگر صیغه شاه نبودی، من ولیعهد و سپس پادشاه ایران می‌شدم. عفت‌السلطنه مادر افتخارالدوله و ظل‌السلطان، به خاندان سلطنتی قاجار تعلق نداشت و وی، دختر موسی رضاییک و یکی از ملازمان رکاب بهرام میرزا - عموی ناصرالدین شاه - بود.^۲ در ذکر علل گسترش ازدواج با غیرخاندان قاجاری، علاوه بر دلایلی که گفته شد، می‌توان دلایل مادی را نیز بیان نمود. بحث مالی نیز اصل مهم در ازدواج‌های سیاسی حکام قاجاری می‌باشد. به این شکل که در ازدواج‌هایی که درون قبیله‌ای و بین حکمرانان قوئلو و سایر طوایف قجری رخ می‌داد، شاه می‌بایست از خزانه حکومت، تمام مخارج ازدواج را بپردازد که این امر هزینه بسیاری بر دولت قاجاری تحمیل می‌کرد. به نحوی که مراسم ازدواج عباس - میرزا نایب‌السلطنه - با گلین خانم، باشکوه بسیار برگزار شد. تمام مخارج این ازدواج از خزانه حکومتی پرداخت شده است.^۳ تعدد زوجات، فراهم نمودن مکانی تحت عنوان

۱. عضدالدوله، تاریخ عضدی، ص ۷۷.

۲. قاضی‌ها، گنجینه اسناد، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۱۲.

۳. معزی، «مهد علیاهای دوره قاجار»، مندرج در: تاریخ معاصر ایران، ش ۴۵، ص ۱۶۶.

حرمسرا برای آنها و اولادشان و همچنین اختصاص دادن حقوق ماهیانه برای آنها و خدمه و نوکرانشان، هزینه اقتصادی فراوانی بر خزانه حکومتی تحمیل می‌کرد. این در حالی است که درآمد حکومت تنها از مالیات تأمین می‌شد.^۱ این هزینه هنگفت زمانی نمایان می‌شود که تعداد زنان شاهان قاجار بالغ بر هزاران نفر - به‌ویژه در عهد فتحعلی‌شاه - و اولاد دختر و پسر شاهان قاجار نیز بسیار زیاد بوده‌اند، ضمن اینکه بر پایی ازدواج‌های شاهانه آنها - در چندین شبانه‌روز - هزینه‌های هنگفتی بر دربار قجر که از نظر مالی - در طول حکومت خود - با مشکلات و کمبود مواجه بود، وارد می‌کرد. این در حالی بود که تنها ممر درآمد دولت، مالیات بر کشاورزی، صنوف و تجار بوده است.^۲ هرچه از عمر حکومت قاجار می‌گذشت، ازدواج با اقوام دیگر ایرانی بیشتر می‌شد، زیرا علاوه بر دلایل متعددی که ذکر شد و همگی در جهت تثبیت موقعیت حکومت قجری بوده است، کاستن از هزینه‌های ازدواج و به عبارتی کسب درآمد از این نوع ازدواج‌ها را می‌توان دلیلی دیگری در گسترش این نوع ازدواج‌ها دانست.^۳ مثلاً حکام اصفهان و کردستان در قبال ازدواج با طبقه حاکم قاجار پیشکش فراوانی به شاه اعطا می‌نموده‌اند، همچنین تمام هزینه‌های هنگفت مراسم شاهانه عروسی را که هفته‌ها به طول می‌انجامید، می‌پرداختند و در کنار آن به عنوان صداق و مهر، املاک، آبادی، قراء، اموال و وجوه نقد بسیاری را به زوجۀ اعطا می‌نمودند^۴ که زوجۀ نیز طی یک مصالحه‌نامه^۵ می‌توانست تمام عوایدی که از طریق صداق به وی منتقل شده است را به پدرش واگذار نماید.^۶ در وصف خواستگاری امان‌الله خان - حاکم کردستان - از دختر فتحعلی‌شاه برای فرزندش آمده: «پس از اجازه و مرخصی امان‌الله خان از حضور خاقان که برای تهیه عروسی رخصت خواست، حضرت خاقان فرمودند: فی امان‌الله! برای پیشکش این فرمایش که خیلی به موقع و مناسب بود، والی مشارالیه ده هزار اشرفی نقد و پنج قطار قاطر تخت روان که هر یک معادل صد تومان تقویم شده بود و بیست قالیچه ممتاز قیمتی پیشکش کرد.»^۷ بزرگان مملکتی که شاهد مراسم عروسی خاندان حکومت‌گر قاجار بوده‌اند، به رسم مبارک‌باد

۱. شیل، خاطرات لیدی شیل، ص ۷۳.

۲. عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران قاجاری، ص ۲۱۷.

۳. اولتاریوس، سفرنامه آدام اولتاریوس، ص ۱۴۳.

۴. سرلک، طایفه سرلک شاخه‌ای کهن از ایل بختیاری، ص ۱۱۳.

۵. رضایی، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، ص ۱۷۶.

۶. بهنام، قبایله‌های ازدواج، ص ۸.

۷. عضالدوله، تاریخ عضدی، ص ۷۷.

پیش‌کش‌های بسیاری را جهت آنها می‌آورده‌اند. در وصف ازدواج دختران ظل‌السلطان با صارم‌الدوله آمده است: «از اجزا و اداره خودم و حکام همسایه و دوستان و اقاربم در این عروسی معادل یکصد هزار تومان به رسم مبارک‌باد از شال و جواهر و نقدینه و غیره آوردند و به ازای آن هر یک را به فراخور شأن از جهیز و خلعت و انعام فروگذار نکردم.»^۱ در ازدواج اعیان غیرقجری با خاندان حاکم قاجار، در منابع آمده است که ایشان حتی با توسل بر قرض نمودن از اطرافیان، هزینه ازدواج را تهیه می‌کردند. «موقرالسلطنه پسر ناظم‌السلطنه که حالا داماد شاه بود ... ، بعد از آنکه پدرش دختر شاه را عقد کرد، کنار نشسته که پول ندارم عروسی بشود. مدتی صبر کردند ممکن نشد. دختر هم از حضرت علیا است. بعد خود موقرالسلطنه پولی قرض کرده آن هم از نصیرالدوله بیچاره. شب و روز او را یکی کرده، تا نگرفت از خانه او برنخاست و حالا نمی‌دهد.»^۲ در تحلیل ازدواج‌های شاهان قاجار در بیان این امر که ازدواج‌های آنها مصلحتی و در جهت حفظ و گسترش تسلط حکومت قاجار بر قلمرو خود بوده است، مشخص می‌شود که خاندان حاکمه قاجار با تمام طبقات اجتماع در جامعه ایران عهد قاجاری، به‌جز طبقه اجتماعی تجار، ازدواج نموده‌اند و به‌ندرت با این قشر از جامعه قاجاری ازدواج نموده‌اند. این در حالی است که تجار از موقعیت مالی خوبی برخوردار بوده‌اند^۳ و در بسیاری از مواقع حامی مالی حکومت و بزرگان آن بوده‌اند. اما به چه دلیلی ازدواج با این طبقه اجتماعی توسط خاندان حاکمه قاجار بسیار کم می‌باشد؟ دلیل این امر را در دو عامل می‌توان جستجو کرد: ۱. طبقه تجار فاقد پایگاه اجتماعی قوی در جامعه سنتی و کشاورزی ایران بوده‌اند؛ در جامعه سنتی و کشاورزی ایران، تجارت مصادف بوده است با دلالی و دروغ‌گویی و به همین سبب فرد تاجر را انسانی راستگو نمی‌دانستند، پس ازدواج با این طبقه اجتماعی برای خاندان حاکمه قجری، وجه اجتماعی و مقبولیت و مشروعیت در پی نداشت. ۲. طبقه تجار فاقد امتیازاتی بودند که خوانین و حکام محلی داشتند و آن نیروی نظامی بود؛ پس به طبع حکومت مرکزی نمی‌توانست از قوه قهریه آنها برای سرکوب در نواحی و ولایات نمی‌توانست بهره‌مند شود و از سوی دیگر به راحتی می‌توانست به بهانه‌های مختلف اموال تجار را به نفع حکومت مرکزی مصادره نماید.^۴

۱. همان، ص ۷۷.

۲. عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات*، ص ۱۴۷۲.

۳. فلور، *جستارهای ادبی*، ش ۴۹، ص ۴۷.

۴. تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ص ۳۵۴.

ازدواج با خاندان حکومت‌گر مغلوب ولایات

پادشاهان قاجار در ازدواج‌هایشان با خاندان‌های غیرقاجاری اصول خاصی را مدنظر داشتند، آنها قصد داشتند با پیوند خویشاوندی با رئسای خاندان محلی، ترکیب نژادی را پدید آورند که از این طریق، بیگانه بودن خود و قبیله‌شان را در پهنه ایرانی قلمرو حاکمیت‌شان، کمرنگ نمایند. از این رو بهترین نمونه برای وصلت و پیوند خویشاوندی رئسای ملوک‌الطوایف و به‌ویژه خاندان‌های حکمران سابق ایران بوده‌اند. لذا بیشتر ازدواج‌ها در زمینه کسب مقبولیت برای حکومت قاجار در قلمرو تحت تصرفشان محسوب می‌شده است.^۱ قلمروی که در آن، قبایل متعدد، حکومت‌هایی ملوک‌الطوایفی را در دل حکومت مرکزی ایجاد نموده بودند که به شکل آزادانه بر قلمرو خود حکومت می‌کردند و حکومت قاجار با این نوع ازدواج‌ها و برقراری وصلت‌های خانوادگی، سعی در همراه نمودن این حکمرانان محلی با خود داشته است.^۲ بنابراین در زمان آغا محمد خان قاجار، با تصرف خراسان بحث ازدواج با خاندان‌های حکومت‌گر قبلی همچون افشاریه مطرح می‌شود. به نحوی که اگرچه با قوه قهریه بزرگان، این حکمرانان سابق ایران شکست داده می‌شوند، اما با احترامی خاص با دختران و بیوه‌های آنها وصلت و ازدواج برقرار می‌شده است.

مخصوصاً طبع خاقان مرحوم به احترام و حفظ حالت نجبا خیلی مایل بود، با آنکه ذکور طبقه نادرشاهی را به مصلحت ملک‌داری به طور مرقوم بعضی مقتول و غالباً از حلیه بصر عاقل شدند، انائیه آنها در کمال احترام بودند. یکی از دختران شاه‌رخ شاه را خود حضرت خاقان گرفتند. چند دخترش هم به حسین‌قلی خان برادر خاقان و فضل‌علی خان و سایر شاهزادگان دادند. یکی هم به محمدقلی میرزای ملک‌آرا داده شده. مادر سلطان بدیع میرزای صاحب اختیار حکمران استرآباد بود، آنکه از حرم‌های حضرت خاقان شد. یک دختر آورد و نامند.^۳

این نوع ازدواج سیاسی در عهد پادشاهان سلسله‌های حکومت‌گر ایران نیز رواج داشته است، به نحوی که رضاقلی میرزا، فرزند نادرشاه افشار با دختر شاه سلطان حسین ازدواج نموده است^۴ که در توجیه این نوع ازدواج می‌توان بیان داشت که پادشاهان قاجار در پی کسب حمایت، از

۱. بروگشن، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ص ۲۰۲.

۲. عضالدوله، تاریخ عضدی، ص ۹۷.

۳. همان، ص ۹۲.

۴. راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ص ۵۸۶.

جانب طرفداران حکومت‌های سابق بوده‌اند. این حکومت‌های سابق در بین مردم و طوایف بومی ایران حامیانی داشته، به نحوی که دو حکومت پیشین ایران - قبل از حاکمیت قاجاریه، یعنی: زندیه و افشاریه - سبب حفظ وحدت ایران بوده و پیشینه‌ای نیکو در بین مردم دارا بوده‌اند.^۱

وصلت با حکام بومی ولایات

در عهد قاجار گروه‌های قدرتمند جامعه، قبایل و رهبران آنها بودند که به شکل ملوک‌الطوایفی در قلمرو تحت امر خود با استقلال حاکم حکمرانی می‌کردند. این ملوک‌الطوایف قدرتمند، علاوه بر ایل قاجار، قبایل قدرتمند دیگری از جمله بختیاری‌ها، اکراد، افشارها، قشقایی‌ها، اعراب و قبایل دیگر بودند که بر پهنه قلمرو ایران حکمرانی می‌کردند و دولت‌هایی مستقل را در دل دولت مرکزی تشکیل داده بودند. قدرت این قبایل از آنجا با اهمیت بود که حکومت مرکزی فاقد ارتش مدون و نیرومند غیرعشیره‌ای بود و نیروی مورد نیاز خود در سرکوب مخالفین را از نیروهای نظامی ملوک‌الطوایف قلمرو خود تأمین می‌کرد.^۲ علاوه بر ازدواج پادشاهان قاجار و اولادشان با خاندان حکمران سابق ایران - همچون افشاریه و زندیه - ایشان با بزرگان طوایف ولایات ایران نیز وصلت خویشاوندی برقرار نموده‌اند. حتی دختران و بیوه‌های حکمرانان ولایات که مخالف قاجاریه بوده‌اند و با قوه قهریه، مقهور قدرت قاجاریه شده‌اند و بزرگانشان به قتل رسیده‌اند نیز طی مراسمی با طبقه حاکم قاجار ازدواج می‌کردند. «آقامحمدخان وقتی بر قادرخان عرب - از حاکمان بسطام - دست یافت این خانواده را در تهران مسکن داد و بدرجهان خانم - دختر وی - را به نکاح باباخان - فتحعلی شاه - که در آن موقع یازده سال داشت، درآورد.»^۳ حکمرانان محلی نیز که با حکومت مرکزی وصلت می‌کردند. با این وصلت، موقعیتشان در اداره ولایت تحت امر خود مورد تأیید حکومت مرکزی قرار می‌گرفت و تضمینی برای ادامه و تثبیت قدرت و تسلطشان بر ولایات فراهم می‌شد، به نحوی که رئسای ملوک‌الطوایف - از جمله امان‌الله خان والی کردستان - در ذکر علت ازدواج فرزندش با دختر فتحعلی شاه بیان داشته است که این وصلت سبب شده حکمرانان محلی همسایه قلمرو وی از فکر تجاوز به قلمرو تحت امرش منصرف شوند.^۴ از این

۱. دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۱۴۳.

۲. لمبتون، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، ص ۱۸۱.

۳. عضدالدوله، تاریخ عضدی، ص ۱۳.

۴. همان، ۷۷.

بیان حاکم کردستان مشخص می‌شود که ملوک الطوائف آن چنان قدرتی داشتند که می‌توانسته‌اند به قلمرو یکدیگر حمله نمایند و یا اینکه حکومت مرکزی می‌توانست ملوک الطوائف را بر ضد هم جهت تصرف قلمرو یکدیگر، با وعده و وعید تحریک نماید و حال تنها با برقراری وصلت خویشاوندی با خاندان حاکمه قاجار بود که این دست‌اندازی حکام محلی در ولایات یکدیگر از بین می‌رفت.^۱ فتحعلی‌شاه به منظور ایجاد حس فرمان‌برداری بیشتر در احمدخان بیگلر بیگی تبریز، ضمن ازدواج با یکی از دخترانش، دختر دیگر او را به عقد فرزند ارشد خود محمدعلی میرزا درآورد.^۲ در منابع ذکر شده است که فتحعلی‌شاه قاجار به سران عشایر و قبایل قدرتمند قلمرو خود دستور داده است که با شاهزاده خانم‌های قجری ازدواج نمایند.^۳ از اجرای این امر و در بیان سیاست ازدواج در خاندان قاجار، گاه دیده شده که شاه متناسب با فرهنگ و آداب ولایات ازدواج نموده است که این امر در کنار وصلت با حکام ولایات، نشان دهنده اهمیت حکام ولایات و لزوم وصلت با آنها در نزد شاهان قاجار می‌باشد. «گویند سلطان خانم نوه محمد خان را که والده امان‌الله میرزاست، شبی در خانه جان محمد زیر جبه یا خرقة خودشان پنهان نموده، به سرای سلطنت آورده، برای خودشان عروسی کردند و به جان محمد خان پیغام دادند که رسم ایلیت آن است که از یکدیگر دختر می‌دزدند! من هم دختر شما را به همان قانون آورده‌ام، شما هم هر یک از دختران مرا برای پسران خود می‌خواهید بیاید بدزدید، مختارید!»^۴ در مثال فوق طریقه ازدواج فتحعلی‌شاه قاجار با خانواده رئیس قبایل آمده است که به طریق ایلی و آداب آن ایل و طایفه اقدام نموده است.

ازدواج با کارگزاران سیاسی

ازدواج خاندان حاکمه قاجار با عمال دیوانی و درباری، همچون میرزا تقی‌خان امیرکبیر را - گذشته از عدم وابستگی این کارگزاران به طایفه یا قبیله‌ای خاص - می‌توان تلاش پادشاهان قاجار جهت حفظ افراد وابسته و به عبارتی مطیع در پست‌های کلیدی درباری و دیوانی قاجار دانست. ازدواج خاندان حاکمه قاجار با عمال و خدمه دیوانی - که خاندان و طایفه قدرتمندی ندارند - نیز از جمله

۱. آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ص ۲۷.

۲. پولاک، *سفرنامه پولاک*، ص ۱۶۱.

۳. همان، ص ۳۳۱.

۴. عضالدوله، *تاریخ عضدی*، ص ۸۸.

ازدواج‌های رایج طبقه حاکمه قاجار بوده است که به پاس وفاداری و خدمتشان مورد اعتماد پادشاه و شاهزادگان قجری قرار می‌گرفتند. همچون میرزا تقی‌خان فراهانی که پسر آشپز دربار قجری بوده و به منصب صدراعظمی رسیده است.^۱ و یا ابوالفتح خان صارم‌الدوله از خدمه دربار قجری که مسعود میرزا ظل‌السلطنه خواهر خود کسرائیل خانم را به عقد نکاح وی درآورد و وی را وزیر خود در حکومت اصفهان نمود.^۲ اگر چه در منابع به کرات به وضعیت خانوادگی این افراد اشاره شده است که فاقد خانواده‌ای متمول بوده‌اند، اما به علت وفاداریشان مورد اعتماد شاه و خانواده وی بوده و با وساطت پادشاه به مناصب مهم گماشته شده‌اند. اما در رقابت با رئسای ایل قاجار و سایر ملوک‌الطوایف ذی‌نفع در حکومت قاجاریه دیده شده به دسایس عدیده، این عمال سیاسی و دیوانی که با خانواده شاهان قاجار وصلت نموده‌اند، موقعیت‌شان متزلزل و حتی به قتل رسیده‌اند.^۳ در بررسی دیدگاه ایلی که مسلط به حکومت قاجار بوده است - که قبیله قجر را برتر از دیگر طوایف بومی ایران می‌دانسته‌اند - مشاهده می‌شود که دختر میرزا تقی‌خان فراهانی که از خواهر ناصرالدین شاه می‌باشد، هنگامی که با سفارش زن مقتدر قاجاری - مادر ناصرالدین شاه - به عقد نکاح مظفرالدین شاه می‌رسید، با اعتراض و تمسخر بزرگان قجری مواجه شد. به این شکل که پدر وی یعنی میرزا تقی‌خان امیرکبیر آشپزاده‌ای بیش نیست. طلاق وی از مظفرالدین شاه و وارد نمودن اتهامات عدیده به ایشان را نیز می‌توان از جمله نمونه‌های مخالفت رئسای ایل قاجار با روی آوردن شاهان قاجار به نخبگان سیاسی همانند میرزا تقی‌خان امیرکبیر دانست. همچنین با به قدرت رسیدن محمدعلی شاه قاجار، با وارد نمودن این اتهامات که وی از نژاد قجر نمی‌باشد، مخالفت‌ها گسترش یافت و بدین شکل اقدام به مخالفت با پادشاهی وی نمودند. در جریان مشروطه، اتهام وارده، نقطه ضعفی در متزلزل نمودن پایگاه اجتماعی وی بوده است. این اتهامات می‌توانسته از سوی بزرگان ایل قاجار در مخالفت با سیاست ازدواج خانواده پادشاهان قاجار با نخبگان سیاسی مطرح شده باشد. ضمن اینکه اولاد آنها که حاصل این نوع ازدواج‌ها بودند نیز از این مخالفت‌ها در امان نبوده‌اند.

ام‌الخاقان - همسر مظفرالدین شاه - هم یک پسر و یک دختر [دارد] و قریب بیست سال متجاوز است که از شاه طلاق گرفته، طهران آمده، یعنی به افتضاح

۱. آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۶۶۷

۲. عضدالدوله، تاریخ عضدی، ص ۸۱

۳. سرنا، آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ص ۱۰۹.

طلاق گرفت بعد زن معتمدالسلطنه مستوفی آذربایجان شد ... چندی عیال او بود، از او هم طلاق گرفت. مخلا به طبع زندگی می‌کرد. بعد زن میرزا علی جان نوکر حسامالسلطنه مرحوم شد و الان زن اوست.^۱

نمونه این اعتراضات نیز در ازدواج خواهر ناصرالدین شاه با میرزا تقی‌خان امیرکبیر خود را نشان می‌دهد. این ازدواج با تمسخر بزرگان طایفه قجر روبرو شد. همچنین بعد از مرگ ناصرالدین شاه و روی کار آمدن مظفرالدین شاه، تمام زنان حرمسرای وی را که از طبقات عامه بودند، با وضعی نامناسب از حرم شاهی بیرون انداختند.^۲ ازدواج با کارگزاران و عمال دیوانی از جهتی نیز می‌تواند تلاش پادشاهان قاجار در برقراری سیاستی مستقل از دخالت‌های رؤسای قبایل ایل قاجار در حکومت باشد که با قتل این کارگزاران دیوانی همچون میرزا تقی‌خان امیرکبیر، صارم‌الدوله و ... با شکست مواجه شد.

نتیجه

پژوهش پیش‌رو در پی پاسخ به این سؤال است: ازدواج‌های خاندان پادشاهی قاجار از چه الگویی پیروی می‌کرده است؟ بیان شد که این الگوی ازدواج بر پایه مصلحت سیاسی بوده تا موقعیت اجتماعی خود و حکومتشان را در اوضاع داخلی و در سطح قلمرو خود حفظ نمایند. لذا از جهت شناخت مناسبت‌های قدرت حکومت قاجار، بررسی این نوع ازدواج‌ها بسیار با اهمیت می‌باشد. با بررسی روال آنها پی به این امر می‌بریم که شاهان قاجار نیروی نخبه جهت مدیریت مناصب مهم حکومتی و حکمرانی ولایات را از اولاد خود تأمین نموده‌اند. این امر با اولادآوری و تعدد زوجات و نگهداری آنها در حرمسراهای شاهی امکان‌پذیر بوده است. محدوده ازدواج‌های سیاسی خاندان حاکمه قاجار، خاندان‌های محلی و نخبگان سیاسی بوده‌اند که نیروهای اول در پی حفظ موقعیت موجود و ایلی و نیروهای دوم - که همان نخبگان سیاسی می‌باشند - در پی تبدیل حکومت قاجار به حکومت مرکزی مقتدر و بدون نیاز به نیروی ایلی ملوک‌الطوایف بوده‌اند. حکومت قاجار با ایجاد توازن بین این جناح‌ها بر امور مسلط بوده است ولی در صورت عدم هم‌گرایی بین این نیروها با حکومت مرکزی، تزلزل قدرت خاندان حاکمه قاجار نمایان می‌گردید که سرانجام این خاندان محلی می‌باشند که بر نخبگان سیاسی غلبه یافته و شاهان قاجار را

۱. عین‌السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۱۰۳۰.

۲. همان، ص ۱۰۲۲.

مقهور قدرت خود نموده‌اند. در تحلیل نهایی می‌توان حکومت قاجار را علاوه بر تلاش‌های ناموفق در جهت ایجاد یک قدرت مرکزی، حکومتی وابسته به کانون‌های قدرت در سطح قلمرو خود از جمله خاندان‌های محلی، کارگزاران سیاسی و طبقه اجتماعی بانفوذ روحانیون دانست که با حفظ مناسبت‌های خونی و خویشاوندی با آنها توانسته‌اند قدرت خود را حفظ نمایند. اما سرانجام عدم کارایی در ایجاد توازن بین این کانون‌های قدرت سبب تضعیف حکومت قاجار و حتی انقراض آن شده است.

منابع و مأخذ

۱. آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸.
۲. آدمیت، فریدون، *امیرکبیر و ایران*، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۵.
۳. آزاد، حسن، *پشت پرده‌های حرم‌سرا*، ارومیه، انتشارات انزلی، چ ۱، ۱۳۵۷.
۴. ابن‌قدمه، عبدالله بن احمد، *المغنی*، ج ۶، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۷.
۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، نشر علمی، ۱۳۶۷.
۶. _____، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ ق*، مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
۷. اولثاریوس، آدام، *سفرنامه آدام اولثاریوس*، ج ۶، ترجمه حسین کردبچه، تهران، کتاب برای همه، ۱۳۶۹.
۸. بروگشن، هینریش، *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه کردبچه، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۸.
۹. بهنام، جمشید، *قباله‌های ازدواج*، تهران، نگارستان، ۲۵۳۵.
۱۰. پولاک، یاکوب ادوارد، *سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان*، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.
۱۱. تاج‌السلطنه، زهرا، *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

۱۲. تاورنیه، ژان باتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، تصحیح حمید شیرانی، اصفهان، سنایی و تایید، ۱۳۸۲.
۱۳. دالمانی، هانری رنه، *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*، ترجمه فره‌وشی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
۱۴. دلریش، بشری، *زن در دوره قاجار*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۵. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج ۶، تهران، امیرکبیر، چ ۳، ۱۳۵۷.
۱۶. رضایی، امید، *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۹۰.
۱۷. *روابط سکسی در ایران*، ترجمه محسن مینو خرد، استکهلم، فردوسی، چ ۱، ۲۰۱۰.
۱۸. ساروی، محمدتقی، *تاریخ محمدی «احسن التواریخ»*، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۱۹. سپهر، عبدالحسین، *مرآة الوقایع مظفری*، یادداشت‌های ملک المورخین، تهران، زرین، ۱۳۳۷.
۲۰. سرلک، رضا، *طایفه سرلک شاخه‌ای کهن از ایل بختیاری*، تهران، طهوری، ۱۳۸۹.
۲۱. سرنا، کارلا، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، (سفرنامه مادام کارلاسرنا)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲.
۲۲. شاردن، *سیاحت‌نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۵.
۲۳. شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران، زریاب، ۱۳۸۳.
۲۴. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *ترجمه و تبیین شرح لمعه*، ج ۹، مترجم علی شیروانی، قم، دارالعلم، ۱۳۹۵.
۲۵. شیل، ماری، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، چ ۱، ۱۳۶۲.
۲۶. عضدالدوله، احمد میرزا، *تاریخ عضدی*، به اهتمام کاظم عابدینی مطلق، قم، فراگرفت، ۱۳۸۸.
۲۷. عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی ایران قاجارهی*، ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ق، ترجمه یعقوب آزند، تهران، نشر گسترده، ۱۳۶۲.
۲۸. عین‌السلطنه، قهرمان میرزا، *روزنامه خاطرات*، ج ۲، به کوشش ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۲۹. فرجاد، محمد حسین، *آسیب‌شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق*، تهران، منصوری، ۱۳۷۲.

- گونه‌شناسی ازدواج سیاسی در خاندان حاکمه قاجار از تأسیس تا انقلاب مشروطه □ ۱۴۱
۳۰. فلور، ویلم، «تجار در ایران عصر قاجار»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (جستارهای ادبی)، ترجمه غلام علی عرفانیان، سال ۱۳، ش ۴۹، ۱۳۵۶.
۳۱. قاضی‌ها، فاطمه، «جشن عروسی کامران میرزا نایب‌السلطنه به روایت ناصرالدین شاه»، گنجینه اسناد، ش ۴۹ و ۵۰، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
۳۲. کاساکوفسکی، خاطرات کلنن کاسافسکی، ترجمه عباسقلی جلی، تهران، سیمرخ، چ ۲، ۲۵۳۵.
۳۳. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا، ۱۳۷۷.
۳۴. گود، ویلیام جی، خانواده و جامعه، ترجمه ویدا ناصحی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۱، ۱۳۵۲.
۳۵. گودرزی، علیرضا، ایل کلهر در دوره مشروطیت، علیرضا گودرزی، کرمانشاه، انتشارات کرمانشاه، ۱۳۸۱.
۳۶. لمبتون، آن، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، مترجم یعقوب اژند، تهران، امیرکبیر، چ ۴، ۱۳۹۱.
۳۷. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران، زوار، ۱۳۴۳.
۳۸. معزی، فاطمه، «مهدعلی‌های دوره قاجار»، تاریخ معاصر ایران، ش ۴۵، ۱۳۸۷.
۳۹. معیرالممالک، دوستعلی خان، یادداشت‌هایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه، تهران، نشر تاریخ ایران، چ ۱، ۱۳۶۱.
۴۰. ویلسن، آرنولد، سفرنامه ویلسن: (تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران)، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، وحی، ۱۳۵۵.

